

معمای سیگنال ارزی بانک مرکزی

درحالی که انتظارات، دلارامتهب کرده، افزایش ۱۰درصدی نرخ رسمی و جهش ۱۰برابری سقف سهمیه ارزی، شائبه دنباله روی سیاست گذار ازبازارآزاد را تقویت می کند



محمد حقگو
economice@khorasannews.com

این روزها بازار ارزایران با یک «پارادوکس سیاستی» از سوی ساختمان میرداماد مواجه است که تحلیل گران را دربرابریک معما قراردادده است. درحالی که ازیک سو بانک مرکزی با ابزارهای نظارتی به جنگ خروج سرمایه و صرافی های رمزارزی رفته است، ازسوی دیگر با دوتصمیم بحث برانگیز- یعنی «رسمیت بخشیدن به رشد قیمت ها درمرکزمبادله» و «گشایش ناگهانی سقف سهمیه ارز مسافرتی»-سیگنال هایی کاملاً متناقض به بازار مخابره می کند. این رفتاردوگانه که حتی صدای تعجب رئیس مجلس را نیز درآورده، این سوال کلیدی را ایجاد کرده است: آیا بانک مرکزی درحال مدیریت بازاراست یا در حال دنباله روی انفعالی انزوسانات بازارآزاد؟

بخش اول معما: رشد۰ درصدی نرخ رسمی در مقابل تورم ۴ درصدی

اولین قطعه از معمای رفتاری بانک مرکزی، شتاب گرفتن نرخ رسمی ارز در مرکز مبادله است. درحالی که تورم ماهانه شهریورماه حدود ۴.۵ درصد اعلام شده، بانک مرکزی نرخ رسمی خود را ظرف یک ماه با جهشی ۱۰ درصدی از ۱۵۵ به ۱۷۵ هزار تومان رسانده است. امیر حسین تقی پور، کارشناس و سردبیر اقتصادی تسنیم دراین باره می گوید: «پولی که امروز به عنوان در آمد نفتی وارد کشور می شود، حاصل فروش ماه های قبل است، پس بن بست ارزی در واقعیت وجود ندارد. اما وقتی بانک مرکزی نرخ رسمی را با سرعتی دو برابر تورم ماهانه بالا می برد، عملاً خود به پیشران تورم تبدیل می شود.» موضوعی که مجدداً به رشد نرخ ارز می تواند منجر شود.

بخش دوم معما: سهمیه ۰هزار دلاری

در اوج محدودیت

قطعه دوم این معما که حتی برای بهارستان نشینان نیز غیرمنتظره بود، افزایش ۱۰ برابری سقف سهمیه دلاربانکی (مسافرتی و خدماتی) از ۱۰۰۰

سکاندارنفت عوض شد

رئیس جمهور در حکمی ضمن پذیرش استعفا ی محسن پاک نژاد از سمت وزارت نفت، حمید بیورد را به عنوان سرپرست این وزارتخانه منصوب کرد. متن حکم رئیس جمهور به شرح زیر

است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای حمید بیورد

به استناد اصل ۱۳۵ قانون اساسی و

نظر به مراتب تعهد، شایستگی و سوابق اجرایی جناب عالی، ضمن پذیرش استعفا ی جناب آقای محسن پاک نژاد،

صادرکنندگان نفت ۱۰۰دلاری زیرتیغ هرمز

روایت واشنگتن از «عادی سازی کشتیرانی» در تقابل با واقعیت میدانی / جهش ۳۰برابری حق بیمه جنگ و سقوط ۸۵ درصدی تردد نفتکش ها، موتور رشد اقتصادی شیخ نشین ها را تا مرز صفر خاموش کرد

گروه اقتصاد درحالی که دستگاه تبلیغاتی وزارت انرژی آمریکای کوشند با مانور بر عبور روزهانه ۹ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز، وضعیت شریان اصلی انرژی جهان را «عادی» و بازگشت به پیش از بحران نشان دهند، تابلوهای بورس نفت و واقعیت های بندری منطقه، روایت کاملاً متفاوتی دارند. نفت نزدیک به ۱۰۰ دلار، به روشنی زبان گویای بازار است؛ بازاری که کارشناسان معتقدند در صورت احیای ثبات، باید روی نرخ های ۷۰ دلاری آرام می گرفت، اما ناامنی میدانی و ریسک بالای ژئوپلیتیک، قیمت ها را در کانال سه رقمی میکشوب کرده است. پشت این طای سیاه گران قیمت امارازی نهفته است: صادرکنندگان حاشیه جنوبی خلیج فارس، قربانی اصلی کاهش چشمگیر حجم صادرات شده اند؛ جایی که در آمد چندبشکه نفت گران، هرگز حریف سقوط صادرات انبوه کسری های سنگین مالی نشده است.

تقابل آمار روی کاغذ با آتش درمیدان اختلاف نظر میان برآوردهای کاغذی و رفت و آمد نفتکش ها به اوچر رسیده است. در شرایطی که «کریس رایت»، وزیر انرژی آمریکا، در گفت و گویا شبکه های تلویزیونی غربی بر تداوم روند صعودی محموله ها با فشاری می کند، مؤسسه ر دیابی «کپلر» از ا ف ت ۳.۲ میلیون بشکه ای صادرات کشور های اصلی منطقه در شهریورماه نسبت به بهمن ماه گذشته خبر می دهد و تردد روزانه از هرمز را به ای ۹ میلیون ادعایی، حدود ۴ میلیون بشکه برآوردمی کند. کپلر حتی اذعان کرده نمی از همین رقم حداقلی نیز به صورت خاموش و مخفیانه جابه جایی شود.

به گزارش مرکز پژوهشی «ای سی ال ای دی» (ACLED)، شهریورماه پر تلفات ترین ماه برای

تاخیر وصول نفت) کماکان برقرار است.

تحلیل گران معتقدند بانک مرکزی احتمالاً با فرض گریز نا پذیر بودن رشد نرخ ارز در ماه های پایانی سال (مواعد تسویه تجاری با چین در انتهای بهمن ماه و سایر مقاصد در پایان سال میلادی) سیاست «رشد تدریجی و هدایت شده» را برگزیده تا از شوک ناگهانی جلوگیری کند. اما مشکل اینجاست که این حرکت تدریجی، وقتی با گشایش سهمیه های اسکناس همراه می شود، به جای آرام کردن بازار، ممکن است به انتظارات تورمی اعتبار بخشد. البته شاید یک هدف احتمالی بانک مرکزی ارسال سیگنال قدرت مند تأمین ارز برای ثبات بخشی به انتظارات باشد. اما در عین حال، تمرکز بانک مرکزی برای مثبت شدن تراز مداخله در بازار ارز، با این موضوع تناقض دارد.

حل معما؛ مدیریت یا تسلیم؟

مرور پازل رفتاری میرداماد نشان می دهد آنچه اکنون تحت عنوان «معمای ارزی» شکل گرفته، ریشه در یک دوگانگی راهبردی دارد: سیاست گذار از سویی با خرید خالص ارز، خود را برای مواعد حساس تسویه درآذر

به موجب این حکم به عنوان سرپرست

وزارت نفت منصوب می شوید.

انتظار دارد با ا ت کال به خدای متعال در چهار چوب قانون اساسی، اهداف سند چشم انداز، سیاست های کلی مصوب مقام معظم رهبری (قدس السره الشریف) و برنامه هفتم پیشرفت



با رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت وفاق ملی و تعامل با هیئت محترم وزیران در تحقق اهداف دولت وحل مشکلات کشور مجدانه بکوشید. توفیقات روز افزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند متعال خواستارم.

۱. عملیات پنهانی (STS Ship-to-Ship):

تصاویر ماهواره ای در گستره ای بیش از ۱۰۰ کیلومتر در نزدیکی سواحل فجیره امارات و صحرای عمان، روزانه ده ها انتقال مخفیانه سوخت

از کشتی به کشتی را ثبت کرده اند؛ طعنه آمیز آنکه ارتش آمریکا اکنون دقیقاً به همان روش هایی روی آورده که ایران در دوران اوچر تحریم ها به

کاری بست. یک مقام نظامی آمریکایی این اقدام را نه یک تدبیر بلندمدت، بلکه «ناچاری عملیاتی» توصیف کرده است.

۲. حمل جاده ای با نفتکش های کوچک: انتقال بیش از ۹۵ درصد بارهای کوچک از بندر الحمریه شارجه (خلیج فارس) به بندر فجیره (درای عمان) از طریق جاده ای ۱۱۴ کیلومتری انجام می شود؛ گزینه ای که صرفاً برای بارهای اندک کار بر دارد و برای حجم میلیونی خطوط لوله و سوپرتانکرهای VLCC کاملاً بی اثر است.

پارادوکس نفت ۱۰۰دلاری؛ حساب و کتابی که جور در نمی آید

تصور عمومی بر این بود که صعود نفت به مرز ۱۰۰ دلار، درآمدهای یادآورده ای نصیب شیوخ نفت خیزی می کند؛ اما اقتصاد نفت قاعده دیگری دارد.

«فارس شعبو»، استاد اقتصاد و مدیریت مالی، با طرح یک محاسبه ساده این خطای محاسباتی را آشکار می کند:

«فروش ۳ میلیون بشکه نفت ۱۰۰ دلاری، عایدی ۳۰۰ میلیون دلاری دارد؛ در حالی که صادرات ۱۰ میلیون بشکه حتی با قیمت ۵۰ دلار، ۵۰۰ میلیون دلار وانه خزانه می کرد.»

به گفته شعبو، گزینه های ذخیره سازی شناور روی آب نیز به علت گرانی اجاره و نایاب بودن

و بهمن تجهیز می کند، اما از سوی دیگر با گران کردن نرخ رسمی و گشایش سهمیه های پراپیام ۱۰ هزار دلاری، ناخواسته به مدار انتظارات تورمی سوخت می رساند.

اگر استراتژی بانک مرکزی «مدیریت پیش دستانه» است، نمی توان همزمان با اقداماتی از جمله محدودیت معاملات رمزارزها، شیرتقاضای اسکناس را در ابعاد کلان باز گذاشت و نرخ رسمی را همگام با

جهش های بی بنیاد بازار آزاد بالا برد. در شرایطی که نااطمینانی های غیر اقتصادی عطش سفته بازی را زنده نگه داشته، هرگونه انفعال و دنباله روی از نرخ های تلگرامی، به این التهابات رسمیت می بخشد. رمز عبور از این معما، تعدیل آرام تر و منطقی تر نرخ دلار کالاهای واسطه ای، مهار توزیع رانت اسکناس و ایجاد تقارن میان حرف و عمل سیاست گذار است؛ در غیر این صورت، بازار رفتارهای متناقض کنونی را نه به عنوان «مدیریت منابع»، بلکه به مثابه «تسلیم سیاست گذار در برابر موج انتظارات» تفسیر خواهد کرد.

کالبدشکافی معیشت ۱۴۰۴

درتله تورم

نتایج تازه ترین داده های مرکز آمار از دخل و خرج خانوارها در سال ۱۴۰۴، از وابستگی شکننده دهک های کم درآمد به سیاست های ترمیمی حکایت دارد؛ در عین حال بررسی ها نشان می دهد رشد تا ۵۰ درصدی کالابریگ، حریف جهش ۱۰۰ درصدی سبد اقلام معیشتی نخواهد شد

رقم افتاده و جامعه به شدت به عواید داری های بسته های ترمیمی وابسته شده است.

سرآب بهبود ضریب جینی

کاهش جزئی ضریب جینی مناطق شهری از ۰.۳۶۸۹ به ۰.۳۶۸۶ و ضریب جینی کل کشور به ۰.۳۸۴۹. که در داده های اخیر مرکز آمار آمده، نباید به معنای بهبود وضعیت معیشتی یا عدالت اقتصادی پایدار تعبیر شود. در اقتصادی بارش داندک و تورم های فرساینده، افت اندک نابرابری ثمره توانمندسازی فرودستان نیست، بلکه بازتاب «برابری در تنگدستی» و آب رفتن طبقه متوسط است.

آمار تفکیکی دهک ها پرده از این واقعیت برمی دارد: در شهر تا مانی دهک های ۲ تا ۱۰ بافت هزینه و مصرف حقیقی مواجه شده اند و تنها دهک اول (کم در آمدترین قشر) به دلیل اتکای مطلق به مستمری ها و حمایت های بارانه ای توانسته سطح مصرف حداقلی را به میزان جزئی (۰.۳ درصد) حفظ کند. این گزاره به وضوح اثبات می کند که حیات معیشتی دهک های محروم به طور کامل به طناب یارانه ها گره خورده و هرگونه کوتاهی در ترمیم ارزش واقعی آن، مستقیماً به سقوط تئیدی ای این بخش از جامعه ختم می شود.

دوئل ۵۰۰در برابر ۱۰۰؛ کالابریگ چراناکافی است؟

دقیقاً از دل همین داده هاست که مناقشه تمدید و اصلاح اعتبار «کالابریگ الکترونیک» در میانه مهرماه فوران می کند. گزارش تسنیم حاکی از آن است که دولت در آستانه ۱۵ مهر در دوراهی افزایش ۵۰ درصدی اعتبار یارانه یا بازنگری در الگوی حمایت قرار دارد. اما تطبیق حساب کتاب معیشت با ارقام پیشنهادی، یک عدم تعادل نگران کننده را آشکار می سازد:

۱. جهش ۱۰۰ درصدی سبد معیشت: ارزش ریالی سبد ۱۱ قلم کالای اساسی مشمول طرح از حدود ۲ میلیون و ۱۸۰ هزار تومان به ازای هر نفر، اکنون به مرز ۴ میلیون و ۲۹۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی رشدی نزدیک به ۹۷ درصد.

۲. کسری آشکار پوشش اعتباری: افزایش ۵۰ درصدی اعتبار یارانه تشویقی کالابریگ، بخش ناچیزی از شکاف ۲ میلیون تومانی ایجاد شده بر اثر تورم خوراک ها را جبران می کند. به بیان دیگر، دولت قصد دارد جهش نزدیک به ۱۰۰ درصدی بهای اقلام ضروری را با ترمیمی ۵۰ درصدی پوشش دهد؛ معادله ای نامتوازن که مابه التفاوت آن لاجرم از حذف اقلام خوراکی یا کوچک تر شدن سفره کم درآمدها جبران خواهد شد.

لرزم بازارایی حمایتی؛ جراحی پیش از تعمیق آسیب

یافته های گزارش بودجه خانوار ۱۴۰۴ حجت را بر سیاست گذار تمام می کند: با توجه به شرایط معیشتی دهک های پایین و گره خوردن آن به سیاست های حمایتی، اگر دولت توان مالی افزایش ۱۰۰ درصدی اعتبار برای همه ۵ دهک مشمول را ندارد، راهکار بهینه نه «توزیع قطره چکانی و نا کارآمد منابع در دهک های متعدد»، بلکه «تمرکز حداکثری اعتبار بر دهک های اول تا سوم با استفاده از آزمون وسیع دقیق» است تا قدرت خرید کلری پایه در محروم ترین اقشار حتی الامکان حفظ شود. بدون چنین بازارایی شجاعانه ای، مصوبه پیش رو بیش از آنکه سپر معیشتی فرودستان باشد، مسکنی کم اثر خواهد بود که به زودی زیر آوار تورم خوراکی ها اثر می شود.

